

علی اکبر ضیائی

تحلیلی درباره منابع قرامطه

برخی تاریخ نگاران نیز خود به بعضی از مغالطات مورخان درباره حرکات باطنی و مخصوصاً قرامطه اشاره کرده و گفته‌اند که برخی از این منابع بادیگری معارض بوده و حتی قرامطه نیز از درک عقاید خویش از خلال چنین آثاری عاجزند.^(۱) و آنچه که درک صحیح این حرکات باطنی را برای اهل سنت و حتی طرفداران عادی این حرکات سختگیر می‌کند، سری بودن این حرکات است. واژ طرف دیگر، نویسنده‌گان باطنی برای حفظ عقاید خویش و جلوگیری از هجوم مخالفان و نامحرمان، به سخت‌نویسی روی می‌آورند، و گاهی نویسنده‌گان و شخصیت‌های باطنی برای فرار از فشارهای مخالفان، از یک جایه جایی دیگر می‌فرند و برای اطمینان بیشتر حتی اسم و رسم خویش را نیز تغییرمی‌دادند، و همین امر سبب گردید که تاریخ حرکات باطنی و نظریه پردازان آنها همواره دچار ابهام و گاهی تناقض گردد.

مشکل دیگر آنکه باطنیان از استاد به عنوان پدر واژ شاگرد به عنوان فرزند روحانی، یادمی‌کردن بدین جهت سلسله نسب داعیان باطنی همیشه

پژوهش پیرامون فرق باطنی اسلام کاری بس دشوار و باغموض و پیچیدگی خاصی همراه است، واز آنجا که حرکتهای باطنی چون قرامطه مسیری خلاف حکومتهای وقت داشته‌اند، مورخان و نویسنده‌گانی که مطابق با مذهب حاکم و قبایع وحوادث و افکار و اعتقادات دیگر فرق و مذاهب را ارزشیابی می‌کردند، گاهی سخنانی مفرضانه و بدور از حقیقت درباره اینگونه حرکتها به ثبت رسانده‌اند.

وجای تعجب نیست که این حرکات در برخی موارد، دچار قضاوتهای غیر منصفانه و هجوم تکفیر و تفسیق این مورخان قرار گرفته باشند.

بنابر این از نظر تاریخی، اعتماد به سخنان این تاریخنگاران درست نیست، و برای نزدیک شدن به واقعیت، باید بین منابع موجود و مأخذ ویژه این حرکات که صاحبان آنها از دیدگاه خویش به وقایع و اعتقادات مذهبی نگریسته‌اند مقایسه و مقایسه نمود و از این طریق پرده تقصبات مذهبی را از روی این حرکات کنارزد و بادیدگاهی صحیح به آنها نگریست.

تاریخ و نهضت قرامطه را به رشته تحریر درآورد، اما کتاب او به دست مانرسیده است و تنها پارهایی از آن در نوشتهای ابن‌ندیم^(۱) به چشم می‌خورد، و شخصی به نام اخومحسن^(۲) نیز از وی نقل قولهایی کرده و در بسیاری از مطالب خویش درباره قرامطه به سخنان او اعتماد کرده است.^(۳) مطالبی که اخومحسن درباره قرامطه نوشته است، قدیمی‌ترین مصدر و مأخذ مفصل در این باره بشمار می‌آید، ولی متأسفانه اثر وی نیز در حال حاضر وجود ندارد^(۴) و مضامین کتاب وی در منابع ذیل آورده شده است:

۱- «الخطط»، تأثیف تقی‌الدین احمد بن علی مقریزی (م ۸۴۵) مؤلف در این کتاب به عقاید قرامطه اشاره کرده است. کتاب مزبور هنوز خطی است.

۲- «المقفى»^(۵)، تأثیف مقریزی که وقایع تاریخی قرامطه در آن ذکر گردیده است.

* اگرچه قول مشهور شروع حرکت قرامطه را ۲۶۴ هجری دانسته است ولی دلیلی موثق براین قول نیست و دلایلی بر وجود این حرکت قبل از آن سال وجود دارد که در جای خود به آن اشاره خواهد شد.

⑤ نام کامل وی ابوالحسن محمد بن علی بن حسین بن احمد بن اسماعیل بن محمد بن اسماعیل بن جعفر الصادق است، ولی خبری از کتاب وتاریخ وفات وی در دست نیست. رک: مقریزی، ایقاظ الحنفاء با خبر الائمه الفاطمیین، قاهره، ۱۹۴۸، ص ۲۴.

○ نام کامل آن، المقفى الكبير في تراجم أهل مصر والوافدين عليه است. در حال حاضر ۵ جلد از ۱۶ جلد کتاب به صورت نسخه خطی، یکی در کتابخانه برتوپاشا در استانبول و ۳ جلد در لیدن و یک جلد در پاریس وجود دارد که قسمتی از نسخه برتوپاشا درباره قرامطه توسط سهیل زکار در کتاب اخبار القرامطه، بیروت، ۱۹۷۱، ص ۳۹۳-۴۰۹ به چاپ رسیده است.

در پرده ابهام بوده است.^(۶)

قرامطه فرقه‌ای از این فرق باطنی است که در سال ۲۶۴ هجری در میان کشاورزان و کارگران بی‌بصاعتم بین النهرين پیدا شد^(۷) و به احساء رسید و حکومت مستقلی از بغداد در احساء تشکیل داد و مدتی نگذشت که در خراسان و سوریه و یمن نیز گسترش یافت و مشکلی بزرگ برای حکومتهاي وقت پدید آورد.

این حرکت در سال ۵۲۹ هـ به تشکیل حکومت مستقل فاطمیان به دست اسماعیلیان متنه شد.^(۸) شاید بتوان ادعا کرد که قدیمی‌ترین مأخذ تاریخی اهل سنت در رابطه با قرامطه «تاریخ طبری است^(۹) و اوین شناخت اهل سنت بوده و اگر در معلومات ارائه شده توسط طبری (م ۵۳۱) خوب دقت شود، خواهیم دید که وی معلومات زیادی درباره عقاید این فرق و اختلافات بین آنها نداشته و بیش از هرجیز به فعالیت‌های سیاسی آنها اشاره کرده است.

ابوالحسن علی بن اسماعیل اشعری (۵۳۲۱م)^(۱۰) پیش از دیگران به روش موضوعی به عقاید دینی حركات باطنی در کتاب «مقالات الاسلامیین واختلاف المصلین» پرداخته و در این راستا کتاب وی جزء نخستین منابعی است که در زمینه شناخت عقاید دینی فرق باطنی به دست مارسیده است. کتاب مذکور در دو جزء و به سال ۱۹۲۰ میلادی در استانبول به چاپ رسیده است.

یکی از مهمترین منابع شناخت ما نسبت به قرامطه، سخنان ابوعبدالله بن رزام (زنده در اوائل قرن چهارم هجری) است.^(۱۱) وی نخستین مرحله

همین دلیل این دو کتاب مسعودی از منابع اولیه شناخت قرامطه بشمار می‌آیند.

بعد از این دو کتاب از نظر زمانی کتاب «صلة تاریخ الطبری» نوشته عرب بن سعد قرطبی (م ۳۷۰ هـ)^(۱۰) قرار دارد. قرطبی در این کتاب به تکمیل «تاریخ» طبری پرداخته بطوری که حوادث سالهای ۲۹۱ هـ و ۲۹۳ هـ و ۲۹۴ هـ را عیناً از طبری گرفته است، سپس حوادث سالهای بعد از آن تا زمان وفاتش را تکمیل می‌کند. وی در تاریخ خود شدیداً به فعالیت قرامطه در بحرین حمله کرده است.

از مورخان قرن چهارم هجری که در مورد قرامطه مطلب نوشته‌اند ثابت بن سنان صائیبی (م ۳۶۵)^(۱۱) نویسنده پژوهش مشهور ثابت بن قره است. تاریخ ثابت بن سنان^(۱۲) از مهمترین منابع شناخت حرکت قرامطه در بحرین و سوریه و مابین التهرين از آغاز تا پایان آن بشمار می‌آید و مؤلف بطور مفصل جنگ بین قرامطه و خلیفه فاطمی المعزز را بیان کرده است. ثابت بن سنان بیشتر اخبار قرامطه را از طبری اخذ نموده و به تکمیل وقایع قرامطه بعد از وفات طبری پرداخته است.

تاریخ وی در عصر نویسنده نیز شهرت داشته و مسکویه در «تاریخ الامم» و ابن کثیر در «الکامل فی التاریخ» از این کتاب بسیار استفاده کرده‌اند. برنارد لویس ثابت را یکی از مورخان سنی بشمار می‌آورد، زیرا به عقیده وی فرقه صائبه از نظر اصول اعتقادی با اهل سنت شباخت بسیاری دارد و به همین دلیل مورخان سنی مطالب خویش را از ثابت گرفته‌اند.^(۱۳)

از همعصران ثابت، نویسنده سنی مذهب، ابوالحسن احمد بن عبدالرحمون ملطی (م ۳۷۷)^(۱۴)

مطالب این دو کتاب در کتاب دیگر مقریزی به نام «یقاظت الحنفاء با خبراء الائمه الفاطميين الخلفاء» آورده شده که به سال ۱۹۴۸ میلادی در قاهره بچاپ رسیده است.

۳- «نهایات الارب فی فنون الادب»، تألیف احمد بن عبدالوهاب نویری (م ۷۳۲)، مؤلف در جمله‌ای خیر این کتاب با دقت بیشتری به احوال فراعنه اشاره نموده است. البته باید یاد آور شد که عبدالرحمون بدوى جزء اخیر کتاب مذکور را در ضمن کتاب «مذاهب الاسميين» به چاپ رسانیده است.^(۱۵) این جزء از کتاب مهمترین مأخذ برای شناخت روشهای تبلیغی قرامطه بشمار می‌آید که اخواه محسن آنها را نقل کرده و نویری نیز از وی گرفته است. لازم به ذکر است که نویری علاوه بر اخواه محسن، به آثاری چون «کشف الاسرار و هنک الاشتار» از ابوبکر باقلانی (م ۴۰۳ هـ) و «الجمع و البيان فی اخبار المغرب والقیروان» از ابو محمد عبدالعزیز بن شداد نیز استناد کرده است.^(۱۶)

۴- این جزء از مراحل مختلف دعوت قرامطه به تفضیل سخن گفته شده است. از نظر زمانی کتاب‌های «مرrog الذهب و معادن الجوهر» و «التنبیه والاشراف» مسعودی (م ۳۴۴ هـ) بعد از کتاب ابن رزام قرار دارند.

مسعودی در این دو کتاب از قرامطه تا هنگام وفات زهیر آنها ابوظاهر (م ۳۲۲)^(۱۷) سخن گفته و از سخنان وی چنین برمی‌آید که او نسبت به دیگر مورخان فردی آگاه به عقیده باطنیان بوده است. مسعودی به روابط بین قرامطه و فاطمیان یمن و شمال-آفریقا بی بوده و ظاهراً بیشتر معلوماتش دولین را بطریق خود آنان اخذ کرده است. به

دلائلی گمنام کتابی در رد اسماعیلیه نوشته که تاریخ قرامطه در کتاب «سیرة الشهادی الى الحق»^(۱۴) را تکمیل کرده است. از متن کتاب «کشفالاسرار الباطنیه» چنین فهمیده می‌شود که نویسنده با خلیفه فاطمی المستنصر (۴۸۷-۴۲۷ھ) معاصر بوده است.

در قرن پنجم هجری کتابهایی درباره فرقه اسلامی نوشته شد که کتاب «الفرق بین الفرق» تألیف ابو منصور عبدالقاهر بن طاهر بغدادی اشعری (۴۹۵ھ) از جمله آنهاست. ابو منصور به تفصیل تاریخ و عقائد مذاهب شیعه را بیان کرده و در فصل پنجم کتاب به عقائد باطنیان شیعه پرداخته و با کمی تغییرات جزئی بر گفتهای ابن رازم تکیه کرده است.^(۱۵)

بعد از وی ابوالفتح محمد بن عبدالکریم شهرستانی (۵۴۸م) در کتاب الملل والنحل به بحث از عقائد اسماعیلیه پرداخت و استناد وی بیشتر به کتابهای اسماعیلیان بوده است. این مأخذ اطلاعات زیادی درباره تاریخ اسماعیلیه به ما نمی‌دهد و ابن حزم ظاهری (۴۵۹م) در کتاب «الفصل فی الملل والآهواء والنحل» نیز چون شهرستانی بطور اختصار به عقاید قرامطه پرداخته و چیزی بیشتر از شهرستانی بیان نداشته است.

به جز آنچه ذکر شد یکی از مهمترین منابع اهل سنت درباره فرقه باطنی کتاب «فضائح الباطنیه» یا «المستظریه» از ابوحامد محمد بن غزالی (۵۰۵م) است. غزالی با دیدگاه فلسفی خویش به فرقه باطنی هجوم برده و در مقابل اینگونه حرکات توسل به سنت رسول الله (ص) را به عنوان جانشین چنین افکاری مطرح کرده است و اگر خصوصت غزالی با حرکات باطنی را از نظر دور

در کتاب «التنبیه والرد علی اهل الامواه والبدع» به رد باطنیه و بویژه قرامطه پرداخته، ولی کمتر از عقائد آنان سخن گفته است، اما با این وجود کتاب ملطفی به علت ذکر برخی از مطالب درباره قرامطه از منابع اولی و اساسی این فرقه بشمار می‌آید.

کتاب «تشییب دلائل نبوة سیدنا محمد» تألف قاضی عبدالجبار بن احمد همدانی اسدآبادی معتزلی (۴۱۵م) از جمله منابع مهم اهل سنت درباره قرامطه است. این کتاب که تحت عنوان «تشییب دلائل النبوة» و با تحقیق عبدالکریم عثمان در بیروت به چاپ رسیده، معلومات مهمی درباره اختلاف بین حکومت فاطمی و قرامطه احساء ارائه می‌دهد و از آنجا که مؤلف خود شاهد این وقایع تاریخی بوده اثر وی از درجه اهمیت بسیاری برخوردار است. در اوائل قرن پنجم هجری به علت وقایعی که در زمان الحاکم بامر الله و ظهور فرقه درزیه - منشعب از اسماعیلیه - اتفاق افتاد، اسماعیلیه به شدت مورد هجوم اهل سنت و مورخان قرار گرفت و قاضی عبدالجبار نیز از این حرکت ضد اسماعیلی در کتاب «تشییب دلائل النبوة» مستثنی نبود. مؤلف در این کتاب به سخنان ابن رازم نیز استناد کرده است.

کتاب دیگری که در این دوره به چشم می‌خورد کتاب «کشفالاسرار الباطنیه و اخبار القرامطه» نوشته محمد بن مالک بن ابی الفضائل حمادی یمانی است که به سال ۱۳۵۷ه در قاهره در ۶۴ صفحه چاپ شده است. از زندگی وی چیزی دانسته نیست، فقط می‌دانیم که نویسنده فقیه و مورخ و با حکومت صلیحیان یمن (۱۱۳)^(۱۶) معاصر بوده و در اوائل قرن پنجم هجری می‌زیسته و در ابتداء از حرکت صلیحیان اسماعیلی متاثر بوده، ولی به

و احتمالاً همان است که خطیب بغدادی^(۱۸) در تاریخش از او نام برده، ولی چیزی از زندگانی وی ذکر نکرده است و اگر این گفته صحیح باشد بنا به قول خطیب بغدادی^(۱۹) وی در حدود قرن سوم هجری می‌زیسته است.

۲- ابو محمد عبدالله بن حسین قطربلی و محمدبن ابی الا زهر (م ۳۳۵هـ) که کتابی در تاریخ نگاشته‌اند.

۳- ابو عبدالله محمدبن داود بن جراح (م ۲۹۶هـ) عمی علی بن عیسی و وزیر مشهور عباسی. وی کتابی تحت عنوان اخبار القرامطة دارد.

۴- ابوبکر محمدبن یحیی بن عبدالله صولی^(۲۰) (م ۳۳۶هـ). وی از مشاهیر نویسنده‌گان عصر عباسی بود و دارای آثاری چون «الا وراق» و «ادب الكتاب» و «كتاب الوزراء» می‌باشد.

۵- ابو غالب همام بن الفضل بن جعفر بن المهدب از معره النعمان که کتابی در تاریخ نگاشته، وابن عدیم در اخبار القرامطة وغیره به آن استناد نموده است. وی از رجال قرن پنجم هجری است.^(۲۱)

نداشته باشیم اثر وی از اهمیت بسزایی در شناخت این حرکات بشمار می‌آید.

پس از غزالی ابوالفرج عبدالرحمن بن علی ابن جوزی فقیه حنبلی(م ۵۹۷هـ) کتاب تاریخی مشهور خود را تحت عنوان «المنتظم فی تاریخ الملوك والامم» به رشته تحریر درآورد و شخصی به نام محمد صباح قسمتی از کتاب را که درباره قرامطه بود در سال ۱۹۶۵ و بار دیگر در سال ۱۹۶۸ در بیروت به چاپ رساند. ابن جوزی در این کتاب بیشتر از هر چیز به کتاب فضای الباطنیه غزالی استناد کرده و چیزی بیشتر از وی درباره قرامطه اذعان نداشته است. در واقع قسمت قرامطه کتاب ابن جوزی را می‌توان اختصاری از کتاب فضای الباطنیه غزالی بشمار آورد.

بعد از ابن جوزی، علی بن ظافر ازدی (۵۶۱۳هـ) در کتاب «اخبار الدول المنقطعة»^(۲۲) در فصلی تحت عنوان «المعزل لدین الله ابو تمیم معد» درباره فتوحات حسن اعصم قرمطی در شام و قاهره سخن گفته است.

از دیگر منابع مهم اهل سنت درباره قرامطه، فصلی از کتاب «بغية الطلب فی تاریخ حلب»^(۲۳) نوشته کمال الدین عمر بن احمد بن ابی جراده معروف به این عدیم (م ۶۶۰هـ) است. مؤلف در این فصل به تفصیل به شرح زندگانی یکی از زعمای قرامطه به نام احمد بن عبد بن محمد بن اسماعیل بن جعفر الصادق معروف به صاحب الحال (م ۲۹۱هـ) پرداخته است.

ابن عدیم در شرح حال صاحب الحال به منابع ذیل استناد کرده است:

۱- ابو عبدالله محمدبن یوسف ابشاری کاتب

هیئت دارای آثاری چون: الورقة فی اخبار الشعراء وكتاب الشعر والشعراء وكتاب من اسمه عمروم الشعرا وكتاب الوزرا وكتاب الاربعة فی اخبار الشعراء می‌باشد. کتاب الورقة در قاهره به کوشش دکتر عبدالوهاب عزام وعبدالاستار احمد فراج به چاپ رسید واستاد حمدالجاسدر مجله العرب شماره دسامبر، سال ۱۹۷۰ کتاب دیگر محمدبن داود را به نام من اسمه عمروم الشعرا به چاپ رساند. نیز رک: ابن نديم، الفهرست، لا یہزیک، م ۱۸۷۱، ۱، ۱۲۸، تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۲۵۵، المتنظم، ج ۶، ۷۹، الوالی بالوفیات، ج ۳، ص ۶۱-۶۲، فوات الوفیات، ط بولاق، ج ۲، ص ۲۰۲.

شناخت فرق شیعه و تاریخ مختصر آنها بشمار می‌آید.

رجال شناسان شیعه چون ابو عمر و محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی (م ۳۴۰هـ) و شیخ طوسی (م ۴۶۰هـ) و منتبج الدین رازی (قرن ششم هجری) وابن شهر آشوب مازاندرانی (۵۵۸۸/د) به برخی از شیعیان غالی و گاهی نیز در ضمن شرح زندگانی و آثار نویسنده‌گان شیعی اثنا عشری به آثار آنان در رد اسماعیلیه و قرامطه اشاره کرد هاند که از جمله آنان ابو محمد فضل بن شاذان بن خلیل نیشابوری (م ۲۶۰هـ) است که کتابی تحت عنوان «السرد علی الباطنية والقramطة» دارد^(۲۴) تاریخ وفات ابن شاذان گواه بر این است که حرکت قرامطه قبل از قول مشهور یعنی سال ۲۶۴ هجری وجود داشته است. بعد از ابن شاذان دانشمندان شیعی چون نقلاً اسلام کلینی (م ۳۲۹هـ) وابوالحسن علی بن ابی سهل حاتم بن ابی حاتم قزوینی^(۲۵) (زندگانی به سال ۳۵۰هـ) آثاری تحت عنوان «الرد علی القramطة»

هاین فصل از کتاب در اخبار القرامطه، تحقیق سهیل زکار، ص ۴۱۳-۴۳۱ به چاپ رسیده است که از اصل کتاب المسجد دو نسخه خطی در کتابخانه‌جامع الكبير صنعا و حرم شریف مکه وجود دارد.

الف) البته باید توجه داشت که قبل از سعدین عبد الله نویسنده‌گان شیعی دیگری نیز بودند که به شرح احوال قرامطه پرداختند، ولی اثری از آثار آنان باقی نمانده است.
⑤ نام کتاب وی معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعہ واسماء المصنفین است که تتممه کتاب الفهرست از شیخ طوسی به شماره‌اید. این کتاب در بیروت توسط سید محمد صادق آل بحرالعلوم به چاپ رسیده است
کثیر وی در فهرست شیخ منتبج الدین رازی، ص ۶۹، تحت عنوان جوابات القرامطه آمده است، همچنین رجوع شود به: اعيان الشیعه، ج ۶، ص ۳۵۵.

- ۶- ابوالقاسم علی بن حسن بن هبة الله، معروف به ابن عساکر صاحب «تاریخ دمشق» (م ۵۷۱هـ)
- ۷- ثابت بن سنان که درباره آن سخن گفته شد.

از دیگر منابع مهم اهل سنت در این باره، کتاب «السعبدالمسبوک فی متن ولی السیم من الملوك»^{*} نوشته علی بن حسن خزرجی (م ۸۱۲هـ) است. وی که از مورخان مشهور یمن بشمار می‌آید در فصلی از این کتاب به شرح حال قرامطه در یمن پرداخته است.

آثار شیعه اثناعشری، مصادر مهمی در شناخت حرکت قرامطه بشمار می‌آیند و آنان قبل از اهل سنت به تدوین کتب فرق اسلامی همت گماشتند و اگر ابوالحسن اشعری (م ۳۲۱هـ) در اوائل قرن چهارم به تألیف کتاب خود «مقالات الاسلامیین» پرداخت، فرقه‌شناس شیعی سعد بن عبد الله بن ابی خلف اشعری فرمی (م ۲۹۹ یا ۳۰۱هـ) در این امر از وی سبقت جسته و کتاب «المقالات والفرق»^(۲۶) وی از مهمترین منابع شناخت فرق اسلامی بشمار می‌آید. معلوماتی که سعد درباره قرامطه و عقائد آنان ارائه می‌دهد از نظر وثاقت و اهمیت برتر از تاریخ طبری است، زیرا مؤلف خود شاهد تشکیل این حرکت و احداث و اخبار آن بوده است، ولی گفتار وی درباره تاریخ قرامطه بسیار کوتاه و مختصر است.
بعد از وی ابو محمد حسن بن موسی نوبختی در این امر از وی معاصر با طبری در کتاب «فرق الشیعه» مطالبی درباره اسماعیلیه و کیفیت تشکیل آن سخن گفته است. این کتاب که به سال ۱۹۳۱ میلادی در استانبول چاپ شد از منابع مهم

ابن ندیم می‌گوید: کتب اسماعیلیه در عصر خودش یعنی حدود سال ۳۷۷ هجری بسیار کم و ناپیدا شد، بطوری که کسی به آن کتابها دست نیافت. وی در فصلی تحت عنوان «اسماء المصنفین لكتب الاسماعیلیه واسماء الكتب»^(۲۶) بین قرامطه واسماعیلیه تفاوتی قائل نشده است.

یکی از مستشرقان به نام ایوانف به نسخهای نایاب تحت عنوان «التواریخ والملل» در کتابخانه آستانه اشاره کرده و آن را فهرستی از آثار اسماعیلی دانسته است.^(۲۷) این کتاب در سال ۵۵۲ هجری توسط حجت الاسلام محمد بن محمد غزالی نوشته شده که ظاهراً مؤلف از نوادگان فیلسوف بزرگ غزالی است.

مؤلف در این کتاب در صد صفحه عنوانین کتابهای اسماعیلیه و نیز مؤلفان حقیقی آنها را آورده است.

ابوالقاسم ابن حوقل نصیبی (م ۳۸۰ هجری) در کتاب «صورة الأرض»^(۲۸) اخود حرکت قرامطه بحرین را تشریع و مناطق مختلف اسماعیلیان را شناسایی کرده است. از آنجایی که ابن حوقل خود بازارگان واز داعیان اسماعیلی بوده و آن مناطق را دیده است کتاب وی از اهمیت زیادی برخوردار است. این کتاب «در دو جزء به سال ۱۹۳۸ میلادی در لیدن بچاپ رسیده است.

در پایان لازم به ذکر است: در این مقاله با منابعی اساسی درباره حرکت قرامطه از دیدگاههای اهل سنت، شیعه اثنا عشری و شیعه زیدی آشنا شدیم و بحث درباره قرامطه از نظر اسماعیلیان و منابع آن را به مقاله‌ای دیگر موقول می‌نماییم.

نگاشتند^(۲۹) که فعلًا اثری از آنها در دست نیست. کتاب «سیرة الہادی الى الحق» یحیی بن الحسین» تألیف علی بن محمد بن عبید الله عباسی علوی (ز ۲۸۵ ه) واژ اولین کسانی است که به زیدیه در یمن گرویدند، این کتاب از مهمترین منابع شناخت تاریخ قرامطه در یمن بشمار می‌آید، که توسط سهیل زکار به سال ۱۹۷۲ میلادی در بیروت و نیز در کتاب اخبار القرامطه به چاپ رسیده است.

الہادی الى الحق در سال ۲۸۰ هجری به یمن رفت و به دعوت زیدیه پرداخت و در مدت کمی صنعت را مرکز فعالیت خویش قرارداد و در این مدت با قرامطه نجران و نیز علی بن فضل و منصور یمن از قرمطیان به منازعه برخاست.

از آنجایی که نویسنده کتاب از پسر عمومیان الہادی الى الحق و شاهد حوادث آن عصر بوده است مطالب وی درباره قرامطه از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

با این وجود نباید از منابع اسماعیلیان و قرامطه غافل بود، اما آنچه از مؤلفان قرمطی به دست ما رسیده بسیار کم است و دلیلش از بین رفقن آن کتب در هنگام شکست قرامطه و یا مخفی ماندن بعضی از آنها در کتابخانهای ناشناخته و سرتی اسماعیلیان بوده است واز طرفی دیگر قرامطه همواره سعی می‌کردند آثار خویش را از انظار مردم دور نگهدارند و زمانی که می‌خواستند مطلبی را از قول کسی نقل کنند از کلمه «قیل» بدون ذکر نام گوینده و نام کتاب استفاده نمودند.

□ یادداشتها

- ۱۶- دو نسخه خطی از این کتاب در موزه بریتانیا و کتابخانه گوته در آلمان وجود دارد و فصل قرامطه آن در کتاب اخبار القرامطه، ص ۲۷۱-۲۷۲ به چاپ رسیده است.
- ۱۷- ابن عدیم، بقیة الطلب فی تاریخ حلب، تحقیق سهیل زکار، دمشق، ۱۹۸۸م، ج ۲، ص ۹۲۷-۹۴۶.
- ۱۸- تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۳۹۳.
- ۱۹- همان مصدر، ج ۱۴، ص ۶۵.
- ۲۰- مروج الذهب، ج ۱، ص ۱۵، تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۴۲۷-۴۳۲، المتنظم، ج ۶، ص ۳۵۹، البداية والنهایة، ج ۱۱، ص ۲۱۹-۲۲۰.
- ۲۱- کشف الغنویون، ج ۲، ص ۱۰۵.
- ۲۲- المقالات والفرق، تحقیق محمد جواد مشکور، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱ش، ص ۸۳-۸۶.
- ۲۳- رک: به پاورپی ۱.
- ۲۴- ابن شهرآشوب، معالم العلماء، ص ۳.
- ۲۵- شیخ آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۱۰، ص ۲۱۷-۲۱۸.
- ۲۶- الفهرست، ص ۳۶۸.
27. Ivanow, Ismailli Literature, A Bibliographical survey, Tehran, 1963, P. 14.
- ۲۸- صورة الارض، چاپ لیدن، ۱۹۲۸م، در ۲ جزء.
1. L. Massignon, «Karmatians», Encyclopaedia of Islam, (Leiden, 1927), Vol. II, P. 769.
2. Bernard Lewis, The Origins of Ismailism, Cambridge, 1940, P.18.
3. Ency.Vol.II, P.767.
- 4- تاریخ الرسل والملوک، چاپ لیدن، ج ۳.
5. Origins, P.6.
- ۶- الفهرست، ص ۱۸۶.
7. Lewis, P.7.
- ۸- عبد الرحمن بدوى، مذاهب الاسلاميين، بيروت، ۱۹۷۳م، ج ۱۸۴، ۲.
- ۹- بدوى، ج ۲، ص ۱۰۴، اسلوب الدعوة، ص ۱۵۲-۱۸۱ و نیز رک: اخبار القرامطه، جمع و تحقیق سهیل زکار، ص ۳۰۳-۳۲۱.
- ۱۰- رک: جزء ۸ از چاپ قاهره، ۱۳۰۲هـ.
- ۱۱- ثابت بن سنان، تاریخ اخبار القرامطه، که در ضمن کتاب اخبار القرامطه بیروت، ۱۹۷۱م به چاپ رسیده است.
12. Lewis, PP.5-6.
- ۱۳- درباره حکومت صلیحیان یمن رجوع شود به: الصالحیون والحرکة الفاطمیة بالیمن، تأییف حسین بن فضل الله همدانی، قاهره، ۱۹۵۵م.
- ۱۴- رک: اخبار القرامطه، ص ۸۷-۱۱۰.
15. Lewis, P. 11.